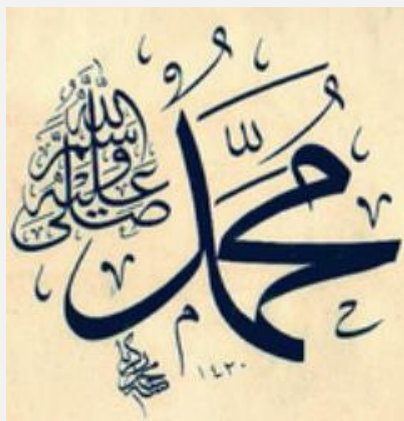


پیامبر (ص)، ما را به کدام پیامبر ارجاع دادند؟

«پیامبر اکرم (ص) در روایات متعددی ما را به عقل و عقلانیت ارجاع داده‌اند. طبیعی است که در به دست آوردن سبک زندگی ما به وصیت و فرمایش پیامبر اعظم (ص) عمل کنیم و عقل و عقلانیت را در عصر و زمانه خود در صدر حیاتمان بنشانیم.»



«پیامبر اکرم (ص) در روایات متعددی ما را به عقل و عقلانیت ارجاع داده‌اند. طبیعی است که در به دست آوردن سبک زندگی ما به وصیت و فرمایش پیامبر اعظم (ص) عمل کنیم و عقل و عقلانیت را در عصر و زمانه خود در صدر حیاتمان بنشانیم.» به گزارش ایسنا، این جملات را حجت‌الاسلام و المسلمین غروی‌ان استاد حوزه و مدرس فلسفه اسلامی در گفت‌وگو با «شبستان» بیان کرده است. مشروح این گفت‌وگو در پی می‌آید:

*** سیره‌النبی یا سنت و شیوه زندگی رسول مکرم اسلام صلوات‌الله و سلامه‌علیه، رهاوردهای بسیاری برای زندگی ما دارد. خوان بزرگ و گسترده‌ای است که اگر آن گرسنگی معرفتی و عطش دریافت را داشته باشیم می‌تواند در هر عصر و زمانه‌ای ما را اطعام و سیراب کند. به نظر جنابعالی مهم‌ترین نیاز امروز ما به سیره رسول‌الله (ص) چیست یا به عبارت دیگر، شیرین‌ترین میوه‌ای که می‌توان از این شجره طیبه چید چه ثمر و میوه‌ای است؟**

پیامبر اکرم (ص) در روایات متعددی ما را به عقل و عقلانیت ارجاع داده‌اند. طبیعی است که در به دست آوردن سبک زندگی، ما به وصیت و فرمایش پیامبر اعظم (ص) عمل کنیم و عقل و عقلانیت را در عصر و زمانه خود در صدر حیاتمان بنشانیم. این ضرورت عین عمل کردن به سنت پیامبر بزرگوار اسلام است چون سنت، مجموعه‌ای از قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) و معصومین (ع) است. پس وقتی پیامبر دستور می‌دهند در هر عصر و زمانی، عالم به آن زمان باشیم و عقل را در نظر بگیریم وظیفه و مسئولیت ما روشن است و مسلماً ما به عقل و عقلانیت مراجعه و طبق آن رفتار می‌کنیم. نکته دیگر در شناخت سنت حضرت پیامبر (ص) این است که حواسمان باشد رسول‌الله، نبی و پیامبر بیرونی یا خارجی بودند. حضرت فرمودند خداوند دو پیامبر برای شما قرار داده است؛ یکی پیامبر درونی و دیگری پیامبر بیرونی. من پیامبر بیرونم اما پیامبر درونی، عقل شماست. پس محور شناخت سنت‌النبی، عقل و عقلانیت است چون پیامبر خود ما را به این پیغمبر باطنی ارجاع داده‌اند.

*** گاهی همین تعطیلی عقل باعث می‌شود ما به جای سیره پیامبر، به قدسی کردن زمان یا شکل بیرونی زندگی ایشان برسیم. چه ظرافت‌هایی در این باره باید مراعات شود؟**

ما در سبک زندگی مان باید بین عبادیات و غیر عبادیات، تفاوت قائل شویم. پیامبر فرمودند: "صلوا کما اریتمونی اصلی / نماز بخوانید آن طور که من نماز می‌خوانم." شما می‌بینید طرز نماز خواندن ما بر پایه سنت رسول‌الله (ص) است؛ قیام و قعود و رکوع و سجود نماز ما همان قیام و قعود و رکوع و سجود نماز پیامبر است اما در سیاسیات، مسایل اجتماعی و شکل بیرونی زندگی لزومی ندارد که این اتفاق بیفتد. یعنی این گونه نیست که چون پیامبر، غذا را با دستان مبارک می‌خوردند پس ما هم دقیقاً باید از پیامبر متابعت کنیم و غذا را با دست مان بخوریم. پیامبر به عرف رایج آن زمان رفتار می‌کردند اما عرف زمانه ما چیز دیگری است. ما امروز غذایمان را با قاشق و چنگال می‌خوریم یا فرض کنید همان گونه که پیامبر نعلین می‌پوشیدند یا لباس بلند عربی، ما هم برویم نعلین بپوشیم یا لباس عربی. این مقوله‌ها منطقه الفراغ است که پیامبر به عهده ما گذاشته است.

پس ما عقل و شور و مشورت را به کار می‌گیریم و سبک زندگی مان را با توجه به شرایط و زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم استخراج می‌کنیم. نکته دیگر اینکه پیامبر مکرم اسلام در سبک زندگی، برای ما اهدافی را بیان کردند و فرمودند زندگی شما رو به سمت و سوی این ارزش‌ها و مراعات اخلاق باشد. پیامبر فرمودند: "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق / من برای پاسداشت مکارم اخلاق و کامل کردن فضایل اخلاقی برگزیده شده‌ام." از همین جا معلوم می‌شود ما باید مکرمت‌های اخلاقی را هدف قرار دهیم و در راه رسیدن به آن اهداف اخلاقی و اسلامی، سبک‌های زندگی مان را استخراج کنیم.

پس نوع مواجهه ما با محتوای اسلام می‌تواند تعیین‌کننده باشد. یک وقت شما با یک نگاه سطحی و قشری اسلام را می‌کاوید و در سطح سیره و قرآن متوقف می‌شوید و یک وقت باطنی و عمیق‌تر به اسلام نگاه می‌کنید. آنچه که عده‌ای الان تحت عنوان سنت پیامبر با عقل مخالفت می‌کنند، ناشی از قشری‌گری و نگاه سطحی آن‌ها به معارف نبوی است.

*** شما از نگاه عقلانی به سیره پیامبر (ص) دفاع می‌کنید و می‌گویید اگر ما می‌خواهیم به جوهره و درونمایه حقیقی سیره پیامبر (ص) برسیم باید بر مدار عقل بمانیم و مقیم این درگاه باشیم اما ممکن است همین واژه عقل مناقشه‌برانگیز باشد، این که اساساً عقل چیست؟**

البته ما در این جا مجال ورود به بحث‌های جدی فلسفی و منطقی را نداریم. تعاریف مختلفی هم در این باره صورت گرفته اما آنچه اجمالاً می‌شود گفت این است که عقل همان چیزی است که اکثریت قریب به اتفاق انسان‌ها متوجه آن هستند و قبول

دارند. در عقل نظری مثل بدیهیات و در عقل و حکمت عملی مثل وجدانیات و امور فطری، حسن و قبح های عقلی و وجدانی و ارزش های انسانی از قبیل حسن صدق، عدل و امانت داری و حسن تکریم را می توان مثال زد. این ها از جنس همان اصول مسلمی است که همه انسان ها قبول دارند. ملاک ما در تعریف عقل، مقبولیت اکثری یا اتفاقی هه انسان هاست. تقریباً این تعریف مشترکی بین اهل فن است.

*** نکته‌ای که به نظر می رسد از چشم ما مغفول مانده درباره سیره شناسی است.** در واقع اگر ما حتی اگر عقل سلیم برای دریافت از سیره را در اختیار داشته باشیم تا زمانی که به سیره مراجعه نکنیم، پاسخی نخواهیم گرفت. از طرفی به نظر می رسد ما در این حوزه کم کرده ایم. دیدگاه تان در این باره چیست و چه عامل یا عواملی در این باره نقش آفرینی می کنند؟

من می توانم بگویم ما در این زمینه کم کاری کرده ایم. البته کتاب هایی در این باره داشته ایم. به فرض کتاب "سنن النبی" علامه طباطبایی که مجموعه ای از روایات درباره آداب رفتاری پیامبر را جمع آوری کرده است، کتابی که هم به عربی و هم به فارسی موجود است اما این که این سیره شناسی به صورت یک جریان درآمده باشد این طور نیست. به این معنا که ما به سمت جمع آوری سیره، دسته بندی، تحلیل و متناسب سازی با زمانه نرفته ایم. انصاف هم همین است که بگوییم جا دارد محققان نظریات خود را در این باره جمع آوری و دسته بندی کنند و به این وسیله تفسیری جدید و روزآمد از سنت های پیامبر ارائه کنند.

*** چرا ما به بازتعریف و تفسیر روزآمد از سنت های پیامبر نیاز داریم و این نو به نو شدن ها از کجا می آید؟**

اینکه سنت های پیامبر (ص) در طول زمان نیاز به شرح و تفسیر دارد به خاطر این است که ما از یک سو این سنت های اصیل و پرمایه را داشته باشیم و هم برخی به نام سنت گرایی، سر از گذشته گرایی درنیاورند. فرض بفرمایید پیامبر، موهای بلند شان را شانه می زدند یا نظافت شان را به بهترین شکل رعایت می کردند اما وسایل آن آراستگی و تطهیر و زیبایی چه بوده است؟ شانه پیامبر که به واسطه آن موهایشان را شانه می کردند چوبی بوده، همچنان که مسواک شان نیز چوبی بود. حال پرسش من این است آیا ما در زمانه و شرایط فعلی هم دقیقاً باید از همان نوع مسواک و شانه استفاده کنیم؟ پاسخ روشن است. نه! این طور نیست.

*** در واقع این جا باید اصل و فرع را تمیز داد.**

همین طور است. استنباط ما در این جا این است که آنچه مطلوب پیامبر بوده و آن حضرت به دنبال این مطلوب رفتند اصل نظافت و آراستگی و زیبایی بوده، نه مسواک و شانه چوبی اما چون تحقق این آراستگی و نظافت و زیبایی به واسطه این ابزارها بوده پیامبر نیز از این ابزارها که ابزار روز و متداول بوده استفاده می کرده اند. خب وقتی ما امروز ابزارهای به روزتر و کاراتر برای نظافت و آراستگی داریم چه نیازی است به سمت آن وسایل برویم؟

*** با توجه به این که حقیقتاً سیره پیامبر (ص) می تواند گنجینه ها و دفینه های ارزشمندی برای الگوی سبک زندگی در اختیار ما قرار دهد می خواهم روی پرسش قبلی دوباره درنگ کنم که چرا این گنج پر بها این گونه مورد بی مهری و غفلت قرار گرفته و استخراج از آن ناقص و کم بوده است؟**

برخی ها این طور گمان کرده اند که اگر به فرض وارد این حوزه ها شویم از سنت پیامبر فاصله می گیریم و از دایره اسلام خارج می شویم، حال آن که اتفاقاً این شناخت، عین شناخت سنت اسلام است. اسلام و سنت پیامبر یک جریان مستمر است. ما باید در هر عصر و زمانی که زندگی می کنیم بتوانیم از سنت پیامبر برای عصر و زمانه خودمان استفاده کنیم یعنی در عین حفظ سنت، سنت را شناور نگه داریم و این مهم محقق نمی شود مگر با همان تفسیر و تحلیل و تبیین سنت نبوی و این اجتهاد پویا هیچ منافاتی ندارد با این که ما بگوییم اهل سنت هستیم، اهل پیروی و عمل به سنت پیامبر، در عین حال متناسب با عصر و زمان هم پیش می رویم به مصداق روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: "العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس / هر کس عالم به زمانه خود شود دچار اشکالات و شبهات و نادانی نمی شود." پس حفظ ارکان و اصول و سنت های الهی و دینی در گرو معاصر بودن و درک و هضم تحولات زندگی است.

*** پس به یک معنا آن گفته معروف علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه که فرموده بودند هر دو سال یک بار باید تفسیری جدید از قرآن ارائه شود درباره سیره حضرت پیامبر (ص) هم صدق می کند.**

همین طور است چون فرقی میان آیات قرآن و فرمایشات پیامبر و معصومین (ع) وجود ندارد. آنچه که ائمه اطهار (ع) فرمودند و فرمایشات پیامبر، برگرفته از قرآن است بنابراین همچنان که قرآن هر چند سال یک بار باید تفسیر شود سنت پیامبر نیز که احتیاج به تفسیر دارد نیاز به تطبیق سازی با زندگی امروز و فهم زمانه دارد.